مهاجران مکزیکی و معادلات سیاسی آمریکا

امیرعلی ابوالفتح

در جامعه آمریکا کمتر موضوعی همچون قانون مهاجرت اختلاف برانگیز است. این مسئله مرزهای سیاسی و جناحی را درنوردیده و به شکاف های جدی در درون احزاب و گروه های اجتماعی در ایالات متحده آمریکا انجامیده است. البته موضوع مهاجرت های قانونی و غیرقانونی ریشه تاریخی دارد و از اوایل قرن بیستم یک دغدغه همیشگی سیاستمداران واشینگتنی بوده است.

ساموئل هانتینگتون از نظریه پردازان معروف راست گرای آمریکایی در کتاب خود تحت عنوان «چالش های هویت در آمریکا» می نویسد: «از اواسط قرن بیستم ایالات متحده به جامعه ای چندقومی و چندنژادی با فرهنگ غالب آنگلو- پروتستانی تبدیل شد که زیر فرهنگ های بسیاری را دربرمی گرفت و آرمان سیاسی مشترکی در این فرهنگ داشت. در اواخر قرن بیستم تحولاتی رخ داد که اگر تداوم می یافت، ممکن بود آمریکا را به لحاظ فرهنگی به جامعه آنگلو- هیسپانیک با دو زبان ملی (انگلیسی و اسپانیایی) تبدیل کند. این امر تا حدی نتیجه رشد دکترین های چندفرهنگی گرایی و گوناگونی در بین نخبگان فرهنگی، سیاسی و سیاست های دولتی در زمینه آموزش دو زبانی و اقداماتی بود که سبب گسترش این دکترین ها می شد. به هر حال نیروی جهت دهنده به این گرایش مهاجرت از آمریکای لاتین و به ویژه از مکزیک بود.»

در حال حاضر یکی از چالش های عمیق فرهنگی و اجتماعی در آمریکا رشد سریع جمعیت مکزیکی در ایالت های جنوبی آمریکا است. این مکزیکی ها عموماً در مناطقی که آمریکا در قرن نوزدهم به زور از کشور مکزیک گرفته است، مستقر شده اند. در حقیقت با پیدایش فرهنگ هیسپانیک (اسپانیایی تبارها) مرز جغرافیایی ایالات متحده و مکزیک در حال ناپدید شدن است. اگر امواج عظیم مهاجرت به آمریکا در قرن نوزدهم به مستحیل شدن فرهنگ های مختلف در فرهنگ آنگلو- پروتستانی انجامید، در اواخر قرن بیستم این فرهنگ در حال عقب نشینی در مقابل هیسپانیک ها است. این روند جامعه آمریکا را به دو گروه تبدیل کرده است که نیمی از آنان آمریکایی و نیم دیگر لاتین تبار هستند.

رشد جمعیت مکزیکی ها به اعتقاد رهبران جناح محافظه کار آمریکا حداقل از شش جنبه با دیگر مهاجرت ها در تاریخ آمریکا متفاوت است. ما در کشور مکزیکی ها بر خلاف دیگر مهاجرین با خاک ایالات متحده همجوار است و تعداد آنان- به استثنای آنگلوساکسون هایی که بنیانگذار این کشور هستند- از هر گروه قومی دیگر بیشتر است. در دهه ۱۹۷۰ در حدود ۶۴۰ هزار، در دهه ۱۹۸۰ در حدود ۱۶۵۶ هزار و در دهه ۱۹۹۰ در حدود ۲۲۴۹ هزار مکزیکی به طور قانونی وارد ایالات متحده شدند. اگر این تعداد با خیل عظیم مهاجرین غیرقانونی مکزیکی به آمریکا ترکیب شود، اهمیت موضوع دو چندان می شود.

جمعیت هیسپانیک ها که در سال ۲۰۰۰، ۱۲ درصد از کل جمعیت ایالات متحده را تشکیل می داد (دوسوم آنها دارای اصلیت مکزیکی بودند) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲، ۱۰ درصد دیگر افزایش یافت و اکنون تعداد آنها بیشتر از آفریکن- آمریکن ها (سیاه پوستان) برآورد می شود. پیش بینی ها نشان می دهند که جمعیت هیسپانیک ها تا سال ۲۰۴۰ بالغ بر ۲۵ درصد از کل جمعیت آمریکا خواهد بود.

غیرقانونی بودن، مستمر بودن و داشتن حضور تاریخی از دیگر ویژگی های مهاجرین مکزیکی در مقایسه با دیگر مهاجرین از ملیت های دیگر است. به عبارت دیگر هیچ گروه قومی نمی تواند همچون مکزیکی ها که از مرز طولانی و غیرقابل کنترل آمریکا- مکزیک وارد خاک ایالات متحده می شوند، از سد مامورین گمرک عبور کنند. جمعیت چند ده میلیون فقیر مکزیکی نیز منبع تمام نشدنی از مهاجرین غیرقانونی به خاک ایالات متحده است که روزانه خانه و کاشانه خود را برای دستیابی به یک زندگی بهتر در آمریکا ترک می کنند. سرانجام اینکه هیچ گروه قومی دیگر به جز مکزیکی ها، خاک ایالات متحده را خاک آبا و اجدادی خود نمی دانند. اگر دولت مقتدر آمریکا در اواسط قرن نوزدهم توانست با لشگرکشی یا پرداخت پول های هنگفت بخشی از خاک مکزیک را به چنگ آورد، الان مکزیکی های فقیر چند ایالت بزرگ آمریکا از جمله ایالت ثروتمند تگزاس را در اختیار خود گرفته اند. به همین دلیل هانتینگتون می نویسد: «نبرد علیه چالش های نژادی، دوزبانگی و چندفرهنگی گرایی در آرمان، زبان و فرهنگ اصلی آمریکا به عنصری کلیدی در چشم انداز سیاست آمریکا در اولین سال های قرن بیست و یکم تبدیل شده است. پیامدهای این نبردها در جنگ تخریبی بدون شک بسیار تاثیر گذار خواهد بود تا حدی که آمریکایی ها از حمله های تروریستی مکرر در زادگاهشان رنج خواهند برد و کشورشان درگیر جنگ با دشمنانشان در آن سوی مرزها می شود.

در مقابل این «سیل بنیان کن» مهاجرت های غیرقانونی به خاک آمریکا دو تفکر متفاوت شکل گرفته است. اگرچه هر دو جناح محافظه کار و لیبرال در خصوص مقابله با مهاجرین غیرقانونی اتفاق نظر دارند، لیکن هر یک سیاست های متفاوتی را مطرح می کنند. محافظه کاران که عموماً بیش از لیبرال ها، ناسیونالیست و تا حدودی نژادپرست هستند، از برخوردهای امنیتی با پدیده مهاجرین و طرد مهاجرین غیرقانونی جانبداری می کنند.

در جریان بررسی لایحه جدید مهاجرت در مجلس نمایندگان، مهاجرت غیرقانونی «اقدام مجرمانه» قلمداد شد که نه تنها تازه واردهای غیرقانونی را با خطر زندان مواجه می کند، بلکه هرگونه کمک انسان دوستانه به مهاجرین غیرقانونی همچون آب دادن، غذا دادن و یا کمک های پزشکی نیز جرم تلقی می شود. به اعتقاد راست گرایان آمریکایی در حزب جمهوریخواه تا هنگامی که آمریکا با «آغوش باز» از مهاجرین غیرقانونی استقبال می کند، جلوگیری از سرازیر شدن مکزیکی تبارها به درون مرزهای ایالات متحده امکان پذیر نخواهد بود و حتی احداث دیوار گران قیمت حائل در مرز آمریکا و مکزیک نیز مشکل را حل نخواهد کرد.

اما لیبرال ها در حزب دموکرات به دلیل نیاز به آرای اقلیت ها در انتخابات مختلف به اندازه جناح راست خواهان برخوردهای قهری با مهاجرین غیرقانونی نیستند. آنان مهاجرت های غیرقانونی را ناشی از فقر کشورهای «فرستنده» می دانند که با افزایش کمک های مالی به این کشورها می توان تا حدودی از شتاب مهاجرت غیرقانونی جلوگیری به عمل آورد. به همین دلیل دولت کلینتون در سال های پایانی قرن گذشته تحکیم پیمان نفتا با هدف بهبود وضعیت اقتصادی مکزیک را در چارچوب کاهش رشد مهاجرت غیرقانونی و چه بسا مهاجرت های قانونی مکزیکی ها به خاک ایالات متحده ارزیابی می کرد. این سیاست از سوی جناح راست به شدت محکوم و کلینتون به نادیده گرفتن خطر رو به تزاید اضمحلال فرهنگ آنگلو- پروتستانی در مقابل فرهنگ هیسپانیک- کاتولیک متهم شد.

لیبرال ها اکنون خواهان آن هستند که مهاجرین غیرقانونی با شرط رعایت ضوابط قانونی از جمله صلاحیت های امنیتی به تدریج از حقوق شهروندی برخوردار شوند. اعطای حق شهروندی و یا اعطای حق کار به مهاجرین غیرقانونی از یک سو موجب حل معضل اجتماعی شده و از سوی دیگر نیاز رو به تزاید جامعه آمریکا به کارگران غیرمتخصص و ارزان قیمت را تامین می کند.

پیروزی جناح راست سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ به ویژه بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سیاست ضدمهاجرتی دولت آمریکا را تشدید کرد.

جورج بوش که در زمان فرمانداری ایالت تگزاس از نزدیک با اثرات منفی مهاجرت های غیرقانونی آشنا بود، در راستای مبارزه با تروریسم برنامه های سختگیرانه ضدمهاجرتی را به مرحله اجرا گذاشت. وی در ابتدا با تصویب قوانین جدید، حفاظت و کنترل مرز مشترک با مکزیک را تقویت کرد. سپس دولت مکزیکوسیتی از سوی همسایه شمالی تحت فشار سنگین سیاسی و دیپلماتیک قرارگرفت تا در مقابل عبور غیرقانونی اتباع خود به خاک ایالات متحده واکنش جدی تر نشان دهد. ویسنته فاکس رئیس جمهوری مکزیک در چند سال اخیر تلاش هایی در جهت مبارزه با مهاجرت های غیرقانونی انجام داده است، اما مرز طولانی مشترک با آمریکا و همچنین نیاز ضروری اقتصاد مکزیک به میلیاردها دلار پول ارسال شده از سوی مهاجرین سبب شده که در روند ورود مهاجرین مکزیکی به آمریکا تغییر چشمگیری صورت نگیرد.

هم اکنون کاخ سفید تلاش دارد در قبال مشکل مهاجرت غیرقانونی موضع بینابینی اتخاذ کند. بوش همچون راست گرایان نگران تغییر هویت ملی آمریکایی ها، از بین رفتن فرصت های شغلی و پیامدهای امنیتی ناشی از ورود بدون نظارت مهاجرین غیرقانونی به ایالات متحده است. به همین دلیل احداث دیوار ۹۰۰ میلیون دلاری و استقرار ۶ هزار نیروی گارد ملی در مرز مشترک میان آمریکا و مکزیک مورد تایید بوش قرار دارد. اما در عین حال، کاخ سفید مجرم تلقی کردن همه مهاجرین غیرقانونی را که نمایندگان مجلس بر آن پای می فشارند، تصمیم عقلانی نمی داند. بوش برای جایگزین کردن ایده مجرم بودن مهاجرین غیرقانونی، خواهان «عفو» آنان و اعطای امتیاز «کارگر ? مهمان» به چند میلیون مهاجر غیرقانونی است که بیش از ۷ سال در ایالات متحده اقامت دارند و در این مدت مرتکب جرمی نشده اند. این رویکرد میلیون ها مهاجر غیرقانونی را به نیروی کار ارزان قیمت قانونی تبدیل می کند. در این وضعیت هم کارفرمایان آمریکایی منتفع خواهند شد و هم بستگان این مهاجرین از دولت حمایت خواهند کرد.

به هر حال مسئله مهاجرت جامعه آمریکا را به دو گروه موافق و مخالف تقسیم کرده است. در ایالت های جنوبی که در معرض هجوم مهاجرین لاتین تبار قرار دارند، اکثریت هیسپانیک ها خواهان کاهش سختگیری ها هستند. اما اقلیت آمریکایی ها برای حفظ فرصت های شغلی و همچنین مزایای اجتماعی خود از محدود شدن مهاجرت حمایت می کنند. از آنجا که در برخی از حوزه های انتخاباتی، مهاجرین و خانواده هایشان اکثریت را تشکیل می دهند، نمایندگان کنگره با حساسیت زیادی مسئله مهاجرین را پیگیری می کنند تا حامیان سیاسی خود را از دست ندهند. همین موضوع نگرانی رهبران جمهوریخواه سنا را برانگیخته است. این گروه که به مراتب کمتر از همتایان خود در مجلس نمایندگان تحت تاثیر مسائل محلی آرای خود را به دست می آورند نگرانند که سختگیری علیه مهاجرین غیرقانونی، ایالت های جنوبی را برای دهه ها به دامان دموکرات ها بیندازد. در حالی که از اواسط دهه ۱۹۷۰ و به تدریج محافظه کاران کنترل ایالت های جنوبی را به دست آوردند، تغییر آرایش سیاسی ایالت ها در آستانه برگزاری انتخابات میان دوره ای کنگره در ماه نوامبر سال جاری می تواند به جمهوریخواهان که هم اکنون به دلیل پیامدهای منفی جنگ عراق و رسوایی های متعدد سیاسی و اطلاعاتی در وخیم ترین شرایط خود طی ۹ سال گذشته قرار دارند، ضربه مرگباری وارد کند.

در سال ۲۰۰۳ و به دلایلی نامعلوم

ظواهری

برنامه حمله به مترو نیویورک را لغو کرد

گروه بین الملل، رضا ثابتی: گروهی از تروریست های مرتبط با گروه القاعده که به داخل خاک آمریکا نفوذ کرده بودند، قصد داشتند در سال ۲۰۰۳ با گاز مرگبار سیانور سیستم حمل ونقل زیرزمینی شهر نیویورک را مورد حمله قرار دهند. اما این عملیات به دلایل نامعلومی در آخرین دقایق توسط «ایمن الظواهری» مرد شماره دو القاعده لغو شد. جزئیات این حمله در کتابی با نام «دکترین یک درصدی» نوشته «ران ساسکیند»، فردا بیستم ژوئن در آمریکا منتشر خواهد شد. مجله نیوزویک به نقل از منابعی که کتاب را خوانده اند آورده است که ساسکیند در کتاب خود نوشته مقامات آمریکایی اولین اطلاعات مربوط به این حمله گازی مرگبار را از یک منبع اطلاعاتی داخل گروه القاعده به نام «علی» دریافت کردند. این فرد بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، تا زمانی که مقامات آمریکایی به این نتیجه می رسند جان او در معرض خطر قرار گرفته، منبع اطلاعاتی واشینگتن درون شبکه القاعده بوده است.

ساسکیند در کتاب خود آورده است بهار ۲۰۰۳ مقامات احتمالاً توسط علی پی برده بودند که گروه القاعده در فاصله ۴۵ روز قرار است یک حمله زیرزمینی در مترو نیویورک انجام دهد. چند هفته قبل از آن مقامات اطلاعاتی آمریکا کشف کرده بودند که القاعده یک سیستم پخش گاز سیانور ساخته و نام آن را «مبتکر» گذاشته است.

اما این حمله هیچ گاه انجام نشد، به این دلیل که الظواهری معاون اسامه بن لادن رهبر القاعده تصمیم به لغو آن گرفت. ساسکیند در کتاب خود مدعی شده که اعضای گروه تروری که قرار بود سه سال پیش عملیات را انجام دهند، اکنون هم در داخل خاک آمریکا حضور دارند. دو نفر از مقامات فعلی ضدتروریسم در آمریکا و یک مقام سابق به عنوان منابع اطلاعاتی مجله نیوزویک اطلاعات مربوط به حمله سیانور و وجود دستگاه دست ساز پخش گاز «مبتکر» را تایید کردند.

به گفته آنها این دستگاه بسیار ابتدایی است و با قوطی های خالی آب جو و سودا سر هم شده است. با این حال مدل های این دستگاه که توسط ماموران آمریکایی و با الهام از طرح های القاعده ساخته شده، به نظر قابل استفاده می آید. این سلاح در دسته بندی تسلیحاتی که قابلیت کشتارهایی همچون ۱۱ سپتامبر را دارند، قرار نمی گیرد اما اگر در یک سالن تئاتر شلوغ یا استادیوم سربسته مورد استفاده قرار گیرد، صدها نفر را می کشد. مقامات اطلاعاتی ضدترور در آمریکا ضمن تایید اعلام لغو عملیات توسط الظواهری درباره دلیل این اقدام اظهار بی اطلاعی می کنند. در آن زمان این نگرانی وجود داشت که دلیل انجام نشدن عملیات، برنامه ریزی القاعده برای عملیاتی مرگبارتر و بزرگتر در داخل خاک آمریکا باشد.

مقامات آمریکایی از اظهارنظر درباره وجود منبع اطلاعاتی به نام «علی» که ساسکیند به آن اشاره کرده، خودداری کردند و حضور نیروهای عملیات مذکور در آمریکا را نیز تایید نکردند. به عقیده آنها دلیلی برای ماندن این گروه در آمریکا وجود ندارد و بیشتر مقام های ضدترور معتقدند این تروریست ها از خاک آمریکا خارج شده اند. اما ساسکیند در گفت وگو با نیوزویک تاکید کرده که منبعش موثق است و هرکس غیر از این می گوید «اطلاعاتش معتبر نیست.» عنوان کتاب ساسکیند، «دکترین یک درصدی» با الهام از سخنان «دیک چنی» معاون رئیس جمهور در یک سخنرانی در سازمان سیا در نوامبر سال ۲۰۰۱ انتخاب شده است. چنی گفته بود: «اگر حتی یک درصد احتمال دسترسی القاعده به سلاح های کشتارجمعی وجود داشته باشد، دولت آمریکا باید با احتمال صددرصد با موضوع برخورد کند.»

موضوع های دیگری هم در کتاب ساسکیند مطرح شده است. از جمله آنکه در جریان بازجویی از «خالد شیخ محمد» از طراحان حملات ۱۸ سپتامبر که در بهار ۲۰۰۳ دستگیر شد، مقامات سیا او را تهدید کردند که در صورت همکاری نکردن، کودکان هفت و نه ساله اش را مورد آزار و اذیت قرار خواهند داد. در جای دیگری نیز آمده است «ابوزبیده» یکی از رهبران القاعده که در جریان دستگیری اش در سال ۲۰۰۲ توسط نیروهای آمریکایی به شدت زخمی شده بود، توسط سازمان سیا به پاکستان منتقل شد و مورد مداوای دقیق قرار گرفت. ساسکیند از یکی از مقامات سیا نقل کرده است: «برای درمان او از بهترین تجهیزات و داروهای پزشکی در دنیا استفاده شد. ما او را دوباره سالم و سرحال کردیم که بتوانیم شکنجه کردنش را آغاز کنیم.»

خبرها

۷ میلیارد دلار برای فقرای بولیوی

ایرنا: دولت چپ گرای «اوو مورالس» رئیس جمهور ضدآمریکایی بولیوی، به هدف اشتغال زایی و محو فقر، یک برنامه اصلاحاتی بنیادین برای پیشرفت کشور معرفی کرد. به گزارش بی بی سی «کارلوس ویله گاس» وزیر برنامه ریزی و توسعه بولیوی شنبه شب این برنامه را در کاخ ریاست جمهوری در لاپاز معرفی کرد. مهم ترین بخش این برنامه اختصاص ۷ میلیارد دلار بودجه برای تضمین هر چه بهتر خدمات اساسی عمومی نظیر تغذیه رایگان مدارس و تامین بیشتر و بهتر آب آشامیدنی سالم است. این طرح پیش بینی ۱۰۰ هزار شغل جدید را برای پنج سال آینده کرده است. بودجه این برنامه از محل درآمدهای صنعت نفت و گاز که به تازگی ملی شد و نیز از محل دیون خارجی و سرمایه گذاری خارجی تامین خواهد شد. این طرح آخرین اقدام از یک سری طرح های اصلاحاتی مورالس است. مورالس که از سرخپوستان و سابقاً از پرورش دهندگان گیاه کوکا بوده است از زمان روی کار آمدن در ژانویه گذشته برنامه های اصلاحاتی بسیاری برای محو فقر و اشتغال زایی و کم کردن شکاف میان فقیر و غنی در بولیوی ارائه کرده است.

ملادیچ گم شده است

ایسنا: دولت صربستان رسماً اعلام کرد که راتکو ملادیچ جنایتکار جنگی فراری و تحت پیگرد، تاسال گذشته درصربستان به سر می برد اما در حال حاضر مشخص نیست که کجا است. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس لیاجیچ رئیس کمیته دولتی ارتباط با دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق گفت: مقامات صربستان تمام تحرکات ملادیچ را در سال های پس از محکوم شدن وی به ارتکاب جنایات جنگی توسط دادگاه کیفری بین المللی، بررسی کرده اند. وی افزود: تمام جاهایی را که وی طی این سال ها در آنجاها اقامت داشته، پیدا کرده اند و آثار و شواهد حکایت از این دارند که او بین سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ اکثراً در صربستان بوده است. دولت صربستان تا پیش از این اتهامات دادگاه را مبنی بر اینکه ملادیچ در صربستان به سر می برد، رد می کرد. اظهارنظر لیاجیچ تاییدی بود بر این واقعیت که این ژنرال جنایتکار و فراری به رغم فشارهای بین المللی برای دستگیری وی، طی این سال ها در صربستان به سر می برده است. کوتاهی بلگراد در دستگیری ملادیچ باعث شده است که اتحادیه اروپا گفت وگوهای خود را با بلگراد برای عضویت در این اتحادیه به حالت تعلیق درآورد.

مخالفت فنلاند با تغییر قانون اروپا

مهر: رئیس آتی اتحادیه اروپا مخالفت خود را با هر گونه اعمال تغییرات در قانون اساسی واحد قاره سبز اعلام کرد. ماتی ونهانن نخست وزیر فنلاند در گفت وگو با روزنامه فرانکفورتر آلگماینه با اعلام این مطلب افزود: فنلاند در نظر دارد در دوره ریاست آتی خود بر اتحادیه اروپا راه های به بن بست رسیدن قانون اساسی واحد را بررسی کرده و راهکارهای لازم را در این زمینه مورد بازبینی قرار دهد. او که کشورش از اول ماه ژوئیه ریاست اتحادیه اروپا را بر عهده می گیرد، خاطرنشان کرد: شکست قانون اساسی واحد در دو کشور فرانسه و هلند نمی تواند مانع جدی برای توقف روند تصویب و اجرای این قانون اساسی به شمار آید. وی با اشاره به برخی اخبار مبنی بر خواست فنلاند در اعمال تغییرات در قانون اساسی واحد گفت: ما با اعمال هر گونه تغییر در قانون اساسی واحد مخالف هستیم. ونهانن با اشاره به نشست اخیر اتحادیه اروپا درباره قانون اساسی واحد اظهار داشت: «رهبران اتحادیه اروپا سال ۲۰۰۸ را آخرین زمان ممکن برای تصویب قانون اساسی واحد در تمام کشورهای عضو اعلام کرده اند.»

تاکید سازمان ملل بر پایان استعمار پورتوریکو

فارس: سازمان ملل متحد خواستار پایان سلطه استعماری آمریکا بر پورتوریکو و از سرگیری مذاکرات آرژانتین و انگلیس در خصوص حاکمیت جزایر مالویناس شد. به گزارش آژانس پرنسا لاتینا، کمیته ویژه استعمارزدایی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ای آمریکا را به پایان دادن به سلطه استعماری بیش از یکصدساله خود بر پورتوریکو واقع در کارائیب فراخواند. قطعنامه مذکور که از سوی کوبا و با حمایت ونزوئلا ارائه شد همچنین فقدان اراده واشینگتن برای رسیدگی به مسئله پورتوریکو را محکوم کرد. قطعنامه سازمان ملل خواستار آن شد که مردم پورتوریکو از حق استقلال کامل و حاکمیت بر سرنوشت خود برخوردار شوند. کمیته استعمارزدایی سازمان ملل همچنین در قطعنامه جداگانه ای با تاکید بر لزوم حل مسالمت آمیز مسئله حاکمیت جزایر مالویناس از آرژانتین و انگلیس خواست دراین خصوص به میز مذاکره برگردند. جزایر مالویناس در اقیانوس اطلس که دولت بوئنوس آیرس مدعی حاکمیت بر آن است از سال ۱۸۳۳ تحت سلطه انگلیس قرار دارد و تلاش های آرژانتین برای باز پس گیری آن تاکنون نتیجه نداده است.

کاهش محبوبیت رئیس جمهور شیلی

ایلنا: حمایت مردم شیلی از دولت به رهبری «میشل باشلت» رئیس جمهور زن این کشور در هفته های اخیر روند نزولی داشته است. خبرگزاری فرانسه گزارش داد طبق آخرین نظرسنجی انجام شده در حالی محبوبیت باشلت رئیس جمهور شیلی در هفته های اخیر پایین آمده است که وی همچنان از حمایت اکثریت مردم شیلی برخوردار است. طبق نظرسنجی منتشر شده روزنامه ترسرا ۵۶ درصد از افراد مورد نظرسنجی قرار گرفته شیوه ای که باشلت سوسیالیست برای هدایت دولت به کار گرفته است را تایید می کنند. این در حالی است که ماه مه این میزان حمایت ۶۷ درصد بوده است. طبق این نظرسنجی پایین آمدن وجهه این رئیس جمهوری متاثر از تظاهرات های دانشجویی که ۱۰ روز پیش به پایان رسید، بوده است. باشلت در ماه ژانویه در دور دوم انتخابات ۵۳ درصد آرا را از آن خود کرد و به اولین زن رئیس جمهور شیلی تبدیل شد.

گزارش

پیروزی چپ گرایان در اسلواکی

گروه بین الملل: حزب اپوزیسیون چپ گرای «اسمر» روز شنبه در انتخابات پارلمانی اسلواکی به پیروزی دست یافت اما به رغم این پیروزی، بعید نیست میکولاس دزورینداً، نخست وزیر اصلاح طلب این کشور همچنان در قدرت بماند. طبق آرای شمارش شده، حزب اسمر نتوانسته اکثریت قاطع کرسی های پارلمان را از آن خود کند. به گزارش شبکه تلویزیونی مارکیزا، حزب اسمر ۲۹/۱۴ درصد آرا را به دست آورده در صورتی که حزب نخست وزیر با ۱۸/۳۵ درصد آرا در جایگاه دوم قرار دارد. در چنین شرایطی هم اسمر و هم حزب دموکرات مسیحی اسلواکی (SDKU) باید برای داشتن اکثریت در پارلمان دارای ۱۵۰ کرسی اسلواکی با یکدیگر و یا با سایر احزاب ائتلاف کنند. دزورینداً به کمک دو حزب دیگر راست گرای میانه می تواند در مجموع بیش از ۳۸ درصد آرا را داشته باشد و راه را تا حدی برای ماندن در قدرت هموار کند. این انتخابات که اولین انتخابات پارلمانی پس از الحاق اسلواکی به اتحادیه اروپایی در ماه مه سال ۲۰۰۴ به شمار می رود می تواند یا میکولاس دزورینداً را برای سومین بار در راس قدرت قرار دهد یا اینکه فرصتی به چپ گرایان بدهد که اصلاحات مورد نظر اروپا را دنبال کنند. البته نظرسنجی ای هم که روز جمعه پس از بسته شدن دفاتر رای گیری از مردم به عمل آمد نشان می داد که چپ گرایان اسمر، حزب اول خواهند شد ولی به اکثریت قاطع دست پیدا نخواهند کرد در صورتی که از مدت ها قبل به نظر می رسید چپ گرایان با رای قاطعی پیروز شوند. دزورینداً در آخرین گردهمایی پیش از انتخابات اعلام کرده بود: «در این انتخابات باید مشخص شود آیا اصلاحات را دنبال خواهیم کرد یا می خواهیم آن را کنار بگذاریم.» در این حال روبرت فیکو

رهبر چپ گرایان اسلواکی نیز گفت تلاش خواهد کرد پس از پیروزی در انتخابات پارلمانی خودش دولت را تشکیل دهد. او قول داد پس از به دست گرفتن زمام امور از شتاب اصلاحات اقتصادی دولت قبلی بکاهد. نتیجه گفت وگوها برای تشکیل دولت ائتلافی تکلیف اصلاحات دولت دزورینداً را در نظام مالیاتی و رفاهی و اینکه آیا اسلواکی در سال ۲۰۰۹ طبق برنامه از پیش تعیین شده پول واحد اروپایی را خواهد پذیرفت یا نه، مشخص می کند. دزورینداً که در دور قبل به شکلی غیرقابل پیش بینی به قدرت بازگشت تمامی طول و عرض کشور کوهستانی اش را در هفته های پیش پیمود تا پیش بینی ها را به هم بریزد. او تلاش کرد مردم را قانع کند که اصلاحات جاری اش در مورد حمایت های اجتماعی و مسائل اقتصادی به زودی به ثمر می نشیند و اسلواکی تبدیل به کشوری اروپایی با بیشترین رشد اقتصادی می شود و به رقابت در بازارهای جهانی خواهد پرداخت. دزورینداً ۵۱ساله قول داد اصلاحات را کامل کند و یورو را نیز به عنوان پول رایج کشور بپذیرد. در صورتی که فیکو قول داده روند اصلاحات رفاهی و مالیاتی کشور را که مورد تحسین جامعه بین المللی است کندتر کند. او معتقد است که اصلاحات برای مردم عادی بسیار سخت و دردناک بوده و تنها قشر مرفه از رشد اقتصادی کشور بهره برده اند. به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، سیاست های فیکو کسر بودجه بیشتر و تاخیر در ورود به حوزه یورو را در پی خواهد داشت. هر چند که او قول داد به اهداف کلان کشور متعهد باشد و به آنها احترام بگذارد. دزورینداً که شکست خود از حزب اپوزیسیون را پذیرفته از هم اکنون برای تشکیل ائتلاف دولتی در تلاش است. فیکو نیز که بر لزوم شمارش مجدد آرا پافشاری می کند در فکر تشکیل دولت جدید است. پیش بینی می شود رئیس جمهور ایوان گاسپارویچ ابتدا از فیکو بخواهد که دولت تشکیل دهد.

■ کمونیست ها در پارلمان کرسی ندارند

راست گرایان افراطی حزب ملی گرای اسلواکی (SNS) که به هیچ وجه افکار ضدمجاری و ضدیت با کولی های اروپای شرقی را مخفی نمی کنند به طور غیرمنتظره ای ۱۱/۷ درصد آرا را از آن خود کردند که این مسئله پس از به استقلال رسیدن این کشور کوچک اروپایی کاملاً بی سابقه بود. حزب ائتلاف مجارستان (SMK) که نیم میلیون نفر یعنی اقلیت های مجاری ساکن اسلواکی را شامل می شود با ۱۱/۶۸ درصد درست پس از این حزب قرار گرفت. در این میان کمونیست ها (KSS) با ۳/۹ درصد در شرایطی قرار دارند که همه کرسی هایشان را از دست خواهند داد. حدود ۴۵/۳۳ درصد مردم واجد شرایط معادل ۴/۳ میلیون نفر به پای صندوق های رای گیری نرفتند. ایوان گاسپارویچ، رئیس جمهور اسلواکی که این وضعیت را از قبل پیش بینی می کرد روز پنجشنبه از هموطنانش خواست که حتی اگر هم از سیاست مایوس شده اند در پای صندوق ها حاضر شوند. در ماه های اخیر مجادلات میان احزاب و تردیدهایی در مورد فساد آنها بالا گرفته و مردم را بدبین تر کرده بود. روز شنبه نیز شایعه شد که در ۴ منطقه هدیه هایی مثل پول نقد و بن خرید میان رای دهندگان توزیع شده است که البته به رغم تقاضای فیکو برای بازشماری آرا، کمیسیون انتخاباتی این تخلفات را رد می کند.